سرپرست گروه بدلکاران پاسخ داد:

بازیگران «عشق کوفی» چطور شمشیر زن شدند

سرپرست گروه بدلکاران سریال «عشق کوفی» گفت: در این سریال یک مرحله مقدماتی آموزشی برای بازیگران داشتیم که شامل شمشیرزدن و جنگیدن با شمشیر، گرفتن سپر و گرز و خنجر بود.

شیما مقدسی

گروه فرهنگ و هنر–امیرحسین خنجری از بدلکاران معروف سینمای ایران که با پروژه‌های مختلفی چون «مختارنامه»، «پایتخت ۵» و «عملیات ۱۲۵» به عنوان بدلکار یا مسئول جلوه‌های ویژه میدانی همکاری داشته است، درباره تجربه جدید خود گفت: من همیشه با دفتر آقای سعید سعدی کار می‌کنم و وقتی که برای «عشق کوفی» با من صحبت شد به دلیل شناختی که از تجارب گذشته ایشان داشتم، برای همکاری دوباره موافقت کردم و کار را شروع کردیم.

او در توضیح کاری که برای بدلکاری این سریال صورت گرفته است، اظهار داشت: در «عشق کوفی» یک مرحله مقدماتی آموزشی برای بازیگران داشتیم که شامل شمشیرزدن و جنگیدن با شمشیر، گرفتن سپر و گرز و خنجر بود و در این مرحله که دوماه طول کشید روی مهارت بازیگران کار کردیم و برایشان تمرین گذاشتیم و آن‌ها را برای جنگ‌ها آماده کردیم تا وقتی وارد کار می‌شویم مشکلی از این بابت نداشته باشیم؛ بنابراین طراحی جنگ‌ها را قبل از فیلمبرداری انجام داده بودیم.

خنجری ادامه داد: در حقیقت من بخش جنگی که قرار بود در کار رخ دهد را در پیش تولید شکل دادم و با بازیگران تمرین کردم و به همین خاطر موقع فیلمبرداری کار برای بازیگران بسیار راحت شد.

سرپرست گروه بدلکاران «عشق کوفی» همچنین گفت: در این سریال بدلکار هم داشتیم، اما اول به بازیگران آموزش دادیم که تا جایی که می‌شد از خود آن‌ها استفاده کنیم. با این حال پلان‌هایی در کار وجود داشت که حتما باید بدلکار به جای بازیگران آن‌ها را اجرا می‌کرد و در مجموع ۳۰ بدلکار داشتیم.

جنگیدن، زمین خوردن از روی اسب، پریدن از ارتفاع، تیرخوردن و از ساختمان پایین افتادن از جمله کارهایی بود که بدلکاران «عشق کوفی» انجام دادند.

وی ادامه داد: سکانسی در سریال هست که هلال (سعید شریف) روی اسب می‌رود و قرار است که تیر به پای اسب او بخورد و به زمین بیفتد که بدلکار جایش گذاشتیم و این پلان‌ها را به صورت میدانی گرفتیم. زمین خوردن با اسب را به شکل رئال گرفتیم، اما تیر زدن به پای اسب حاصل جلوه بصری (ویژوال) است.

خنجری در پاسخ به این سوال که سختی هایش در سریال چه بوده است، گفت: همکاری با «عشق کوفی» بسیار جذاب بود و به دلیل برنامه ریزی‌ها و اجرای مناسب، همه چیز با نظم پیش رفت و درست انجام شد و سختی خاصی نداشت. سر صحنه‌ها پلان‌ها مشخص بود و ما هر روز می‌دانستیم قرار است چه کاری انجام دهیم. او ادامه داد: آقای آخوندپور کارگردان این سریال کاملا خلاق، حرفه‌ای و نکته سنج هستند و برای بدلکاری دائم دنبال ایده‌های نو و کارهای جدید بود؛ مثلا طراحی جنگ جدیدی می‌خواست و من همیشه تلاش می‌کردم کارها را به شکلی طراحی کنم که در نهایت ایشان لذت ببرند. دید آقای آخوندپور در «عشق کوفی» این گونه بود که حتی یک درگیری ساده هم برایشان مهم بود به همین خاطر قبل از هر صحنه با من جلسه می‌گذاشتند و می‌گفتند که چه چیزی می‌خواهند.

او همچنین درباره تفاوت کار بدلکاری آثار روز با بدلکاری فیلم و سریال‌های تاریخی، بیان کرد: کار تاریخی با کارهای روز که ماشین و موتور و ... در آن هست زمین تا آسمان تفاوت دارد و کاری که ما در این آثار تاریخی انجام می‌دهیم به کلی فرق دارد. برای بدلکاری آثار روز مثلا ماشین چپ می‌کنیم یا با موتور پرش داریم و ... که این کارها ریسک زیادی دارند و نیازمند تمرینات بیشتری هستند. بدلکار فشار و استرس زیادی هم تحمل می‌کند، اما کارهای تاریخی به نوعی لذت بخش‌تر هستند، چون ریسک زیادی ندارند؛ همانطور که کار عجیب و غریبی هم نیاز نیست که برایشان انجام شود.

به همین دلیل در مقایسه بین بدلکاری آثار روز با کارهای تاریخی، اولی بسیار سخت‌تر است.

خنجری در پایان گفت: بازخوردهایی که تاکنون گرفته ام این گونه بوده است که مردم خروجی سریال را دوست دارند و به نظرم آن را تا پایان دنبال خواهند کرد. «عشق کوفی» جزو کارهایی بود که همه عوامل مانند یک خانواده در کنار هم بودند و محیط کار بسیار دوست داشتنی، آرام و دلنشین بود.

گفتنی است«عشق کوفی» به کارگردانی حسن آخوندپور و تهیه کنندگی سعید سعدی محصول سازمان اوج است که داستان یک عشق در کوفه سال ۶۱ هجری قمری را روایت می‌کند.

این سریال در خلال روایت یک قصه عاشقانه نقبی به واقعه عاشورا می‌زند. لعیا زنگنه، نادر سلیمانی، سعید شریف، شبنم قربانی، حسین سلیمانی، نادر فلاح، سوگل طهماسبی، مریم کاویانی، مهسا مهجور، محمد اشکان فر، مژگان اخلاقی، جمال الدین بیات، معصومه زینتی صافی، احسان محسنی کیاسری، عمار تفتی، سید جواد هاشمی، ثریا قاسمی بازیگران اصلی این سریال هستند.

بازخوردهایی که تاکنون گرفته ام این گونه بوده است که مردم خروجی سریال را دوست دارند و به نظرم آن را تا پایان دنبال خواهند کرد. «عشق کوفی» جزو کارهایی بود که همه عوامل مانند یک خانواده در کنار هم بودند و محیط کار بسیار دوست داشتنی، آرام و دلنشین بود.

با نقاش نقاب‌ها آشنا شوید

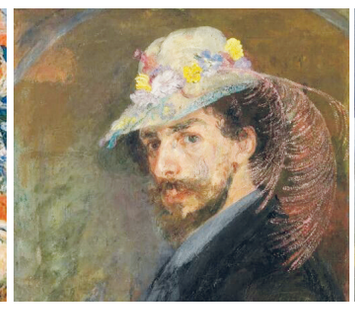

گروه فرهنگ و هنر–«جیمز انسور»، نقاش بلژیکی بود که برای خلق تابلوهای نقاشی رنگارنگی با مضمون خودزندگی‌نامه و اجتماعی شهرت پیدا کرد.

«جیمز سیدنی ادوارد» که با نام «جیمز انسور» شناخته می‌شود، در سال ۱۸۶۰ میلادی در شهر بندری «اوستنده» متولد شد. «انسور» یکی از مهم‌ترین اعضای جنبش «رئالیسم بلژیک» بود. او همچنین در شکل گیری اکسپرسیونیسم نقش پررنگی داشت. در ادامه با برخی از آثار کارنامه پربار این هنرمند آشنا می‌شوید.

«خودنگاره با کلاه گل‌دار»

«انسور» در این پرتره سنتی به مخاطب خیره شده و خود را به عنوان یک شخصیت با اعتماد بنفس به تصویر کشیده است. «انسور» این نقاشی را زمانی خلق کرد که به تازگی از آکادمی سلطنتی هنرهای زیبای بروکسل فارغ‌التحصیل شده بود. این نقاشی گزینه بسیار مناسبی برای هنرمندی است که تمام عمرش را به خلق نقاشی‌هایی رویایی و در عین حال عجیب صرف کرد.

«زنی که صدف می‌خورد»

این تابلو نقاشی که در سال ۱۸۸۳ خلق شده است، بانوی جوانی را به تصویر می‌کشد که در میزی با ظروف شیشه‌ای، پارچه و گل مشغول غذا خوردن است. «انسور» این صحنه را با الهام از خانه دوران کودکی‌اش خلق کرده است.

«محنت»

این تابلو نقاشی گروهی از افراد نقاب‌دار را به تصویر می‌کشد که در مقابل آسمان آبی روشن و ابرهای سفید قرار دارند. این صحنه در حقیقت با الهام از رویدادی خلق شده است که در شهر زادگاه «انسور» اتفاق افتاده بود. فردی که در مرکز نقاشی و با لباسی سبز و موهای آبی به تصویر کشیده شده است، در حقیقت «میچ»، خواهر «جیمز انسور» است. او در این نقاشی در کنار نامزدش، فروشنده چینی آثار هنری اهل برلین دیده می‌شود. نامزدی این دو در شهر «اوستنده» واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشت. «انسور» در این تابلو نقاشی مردم شهر را در حالی حین تمسخر، خندیدن و اشاره کردن به این زوج به تصویر کشیده است که همگی سعی دارند هویت واقعی خود را پشت نقاب‌هایشان پنهان کنند. این اتفاق تا سال‌ها در ذهن «انسور» باقی ماند.

«نقاش اسکلتی»

«انسور» در سال ۱۸۹۶ تابلو «نقاش اسکلتی» را خلق کرد. در این نقاشی «انسور» را در حالی می‌بینیم که در مقابل بوم نقاشی و در کارگاه خانوادگی‌اش ایستاده است. او در این تابلو نقاشی به جای سر، یک جمجمه را به تصویر کشیده است تا نمادی از فانی بودن او باشد.

در بوم بزرگ نقاشی که در سمت چپ اتاق قرار دارد، کلیسایی را می‌بینیم که این هنرمند در نهایت در آن دفن شد. در مرکز این نقاشی و سمت بالا تابلو یک قاب مشکی دیده می‌شود که یادآوردیکی از مشهورترین نقاشی‌های «انسور» است. چند نقاب هم در این نقاشی به چشم می‌خورد. این نقاب‌ها روی زمین و بی‌استفاده به تصویر کشیده شدند تا نشان دهند که پس از مرگ کاربردی ندارند.

«آشپزهای خطرناک»

در این نقاشی خبری از نقاب نیست. این اثر هنری واکنش کنایه‌دار «انسور» به از هم پاشیدن گروه هنری‌اش به نام «Les XX» است. در مرکز این نقاشی، سری را می‌بینیم که در دیسی به همراه ماهی سرو شده است. این سر درحقیقت سرِ «انسور» است. فردی که سر «انسور» را سرو می‌کند نیز «اوکتیو ماس» یکی از بنیان‌گذار این گروه هنری است. این دو پیش از منحل شدن گروه، اختلاف نظرهایی داشتند.

«محاکمه بزرگ»

«مرگ» موضوع بخشی از آثار انسور در آغاز قرن است. در «محاکمه بزرگ»، ترکیب‌بندی مشابه نقاشی «محنت» به چشم می‌خورد، با این تفاوت که در این اثر هنری جمجمه در مرکز تابلو و نقاب‌های بی‌رمق در اطراف آن به تصویر کشیده شده‌اند.

حتی آسمان هم خاکستری و بی‌جان به نظر می‌رسد. شاید این همه سخن‌چینی در نهایت ارزش نداشت. «انسور» در این نقاشی به ما یادآوری می‌کند که همه‌ی ما در یک سفر متناهی هستیم و مرگ ناگزیر است.

«خودنگاره با نقاب‌ها»

«انسور» در «خودنگاره با نقاب‌ها» خود را در میان دریایی از نقاب‌های رنگارنگ نقاشی کرده است. او که در مرکز نقاشی به تصویر کشیده می‌شود، تنها کسی است که نقاب بر چهره ندارد. وقتی به «انسور» خیره می‌شویم، مشخص است که او دقیقا همان مردی است که در «خودنگاره با کلاه گل‌دار» به تصویر کشیده شده است.

یکتا ناصر به بهانه بازی در «نویسنده مرده است»؛

از نقدهای احتمالی ناراحت نمی شوم

گروه فرهنگ و هنر–یکتا ناصر که این روزها با بازی در نمایش «نویسنده مرده است»، روی صحنه می‌رود، می‌گوید که بزرگ‌ترین برگ برنده‌اش در بازیگری، تمرکز بالای اوست.

این بازیگر از تجربه بازی‌اش در این نمایش گفت و تاکید کرد که از نقدهای احتمالی ناراحت نمی‌شود.

ناصر که آخرین بار سال ۹۴ در نمایش «ترور» به کارگردانی حمیدرضا نعیمی روی صحنه رفته، درباره فاصله زیاد بین کارهایش در تئاتر گفت: بعد از بازی در نمایش «ترور»، دخترم به دنیا آمد که طبیعتا در آن مقطع، تنظیم زمان برای حضور در تمرین تئاتر کار بسیار سختی بود به خصوص که در انجام کارهایم به‌شدت مقید و مسئولیت‌پذیرم و می‌دانم آماده‌سازی یک نمایش ممکن است مدت زمانی طولانی ادامه پیدا کند و بازیگر در این پروسه، باید بدون هیچ عذر و بهانه‌ای و با تمام انرژی حضور داشته باشد. در پیشنهادهایی که برای بازی در تئاتر مطرح می‌شد، گاه دوست داشتم تماشاگر یک کار باشم و نه بازیگر آن و گاهی هم نقش‌هایی پیشنهاد می‌شد که شاید ارتباط چندانی با آنها برقرار نمی‌کردم تا اینکه بعد از خواندن نمایشنامه «نویسنده مرده است» آنچنان درگیر این متن شدم که با وجود مشغله‌های کاری‌ام در پروژه‌های دیگر، حس کردم بعد از مدت‌ها می‌توانم با انرژی کامل در کنار یک گروه تئاتری قرار بگیرم. ناصر که در نمایش «ترور» با بهنام شرفی همبازی بوده است، ادامه داد: در آن نمایش شناخت نسبی از آقای شرفی پیدا کردم و می‌دانستم بازیگری درخشان است. جذابیت متن از یک سو و حضور ایشان هم به عنوان کارگردان کار و هم در جایگاه بازیگر مقابلم، سبب پذیرش این پیشنهاد شد و حالا خیلی خوشحالم چون همه آنچه فکر می‌کردم، درست از آب درآمد و از بازی در این نمایش کاملا راضی‌ام.

او در پاسخ به این پرسش که حضور در نمایشی که قبلا دو اجرای موفق از آن روی صحنه رفته، چه چالش‌هایی برایش به‌همراه داشته‌است، توضیح داد: متاسفانه آن اجراها را ندیده بودم و البته بابت این موضوع از یک جهت هم خوشحالم چون دیدن یک نمایش و حضور ذهن احتمالی از یک متن، می‌تواند به صورت ناخودآگاه بر کار آدم تاثیر داشته باشد ولی خوشحالم که توانستم با رویکرد خودم در این کار بازی کنم.

ناصر با تاکید بر اینکه همیشه در زندگی عاشق جسارت و ریسک بوده است، به تفاوت برخورد با بازیگران در تئاتر و پروژه‌های تصویری اشاره کرد و توضیح داد: بازیگران تئاتر وقتی جلوی دوربین سینما و سریال قرار می‌گیرند، معمولا با استقبال گرم‌تری مواجه می‌شوند و خیلی اوقات تعریف و تمجیدهای زیادی می‌شنوند که شاید هم خیلی سزاوار آن باشند، اما برعکس این رویه، شاید کمتر اتفاق بیفتد. به این معنا که معمولا در تئاتر، نسبت به ورود بازیگران تصویر، گارد ویژه‌ای وجود دارد و با سخت‌گیری خیلی بیشتری درباره آنان قضاوت می‌شود. البته از نظر من، این تفاوت هیچ اشکالی ندارد.

در تمام این سال‌ها آموخته‌ام که از نقد شدن ناراحت نشوم و اتفاقا از بخشی از نقدها که برایم کاربردی است، استفاده می‌کنم. یاد گرفته‌ام با غرض‌ها و گاهی هم مرض‌ها، کنار بیایم و فکر می‌کنم اگر اینها نباشد، احتمالا یک جای کار می‌لنگد به این معنا که کار آدم به اندازه کافی دیده نشده اما شنیدن نظرات مختلف معمولا نشان می‌دهد که راه درستی را انتخاب کرده‌ای و کارت دیده شده است. بنابراین گرچه بازی در این نمایش که قبلا اجراهای موفقی داشته، ریسک بزرگی است و شاید انجام آن برای خیلی از بازیگران توانمند هم دشوار باشد، حضور در آن احتمالا به شخصیت من مربوط می‌شود که از هیجان استقبال می‌کنم و صحنه و نقش، آنچنان برایم لذت‌بخش است که قضاوت‌های احتمالی را تحمل می‌کنم، حتی اگر گاهی این داوری‌ها نابجا باشد.

او با اشاره به اینکه بخش عمده‌ای از موفقیت یک کار به جذابیت متن برمی‌گردد، افزود: با اینکه اجراهای قبلی این نمایش را ندیده‌ام ولی حدس می‌زنم که بازیگران آن اجراها به دلیل سابقه درخشان‌شان، حضوری موفق روی صحنه داشته‌اند و البته که هر بازیگری انرژی خاص خود را روی صحنه می‌آورد.

ناصر که پیش از این در نسخه ایرانی فیلم «دوشیزه و مرگ» بازی کرده است، با تشریح تجربه بازی خود در این فیلم اضافه کرد: این فیلم بر اساس نمایشنامه «دوشیزه و مرگ» ساخته شده. قبلا نمایشنامه را خوانده بودم. وقتی قرار شد در نسخه ایرانی این فیلم بازی کنم، با اینکه کم‌تجربه‌تر از الان بودم، تصمیم گرفتم قبل از بازی‌ام، نسخه سینمایی را نبینم با اینکه می‌دانستم بازیگران بسیار بزرگی در آن بازی کرده‌اند و اصلا بحث این نبود که قرار است مقایسه‌ای اتفاق بیفتد. تنها چیزی که برایم اهمیت داشت، این بود که نهایت تلاشم را برای بازی در این فیلم به کار بگیرم.

در میان پیشنهادهای قبلی، خیلی اوقات هم کارگردان و هم متن برایم جذابیت داشت ولی ممکن بود نقش پیشنهادی برایم، تاثیرگذار نباشد یا حس کنم قرار نیست اتفاق خاصی رقم بزنم. وقتی قرار است بعد از مدتی روی صحنه بروی، خیلی مهم است که آن عشق در کار جاری باشد و ایفای آن نقش برای بازیگر جذاب باشد. بازی در نقش «لیلی» برایم خیلی لذتبخش بود چون رویکردم در بازیگری این است که می‌کوشم خودم را به نقش نزدیک کنم نه اینکه نقش را به خودم و این برایم چالش بزرگی است. حس می‌کردم کارکتر این نمایشنامه که یک بازیگر سینماست، خیلی به خودم شبیه است و خیلی از موقعیت‌های نمایش را تجربه کرده‌ام. البته با اجازه آرش عباسی، نویسنده نمایشنامه، تغییراتی بسیار جزیی بر برخی دیالوگ‌ها اعمال کرده‌ایم چون شرایط نسبت به زمان نگارش این متن، قدری تغییر کرده است. «لیلی» شاید شبیه‌ترین نقش به خود من است. هرچند دوستانی که از نزدیک مرا می‌شناسند، معتقدند نسبت به خودم بسیار متفاوت است که البته این تفاوت، ناخواسته بوده و خیلی به آن فکر نکرده‌ام چون به آن معنی، بازیگر تکنیکی نیستم بلکه سعی می‌کنم متن را کاملا با روحیاتم تطبیق بدهم و اگر تغییری رخ می‌دهد، کاملا ناخودآگاه است. تکنیک من تنها به این برمی‌گردد که بتوانم خودم را با دیگر عناصر کار مانند میزانسن و نور و ... تطبیق بدهم.

او ادامه داد: از نظر بار حسی و درک نقش، اصلا تکنیک را درک نمی‌کنم نه اینکه آن را قبول نداشته باشم بلکه معتقدم بزرگترین برگ برنده من در بازیگری این است که به شدت متمرکزم و آنچنان در کارم غرق می‌شوم که گویی به خلسه می‌روم و جهان کاملا برایم متوقف می‌شود. مانند کسانی که هیپنوتیزم شده‌اند. شاید بخش تکنیکی کارم همین باشد که کاملا هم غریزی است چون کار بازیگری برایم آنچنان مهم است و آن قدر دوستش دارم که برخوردم با نقش به گونه‌ای است که گویی با موجودی خیلی عزیز سر و کار دارم.

نوبت دوم

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت کالسکه کیش (سهامی خاص) ثبت شده بشماره ۶۸۱ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۵۲۳۲۶۷

در اجرای ماده ۲۲۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت کالسکه کیش در حال تصفیه(سهامی خاص) بشماره ثبت ۶۸۱ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۵۲۳۲۶۷ که آگهی انحلال آن در صفحه ۱۰۸ روزنامه رسمی کشور بشماره ۲۱۵۲۱ مورخ ۱/۱۱/۱۳۹۷ درج گردیده است دعوت بعمل می آید تا ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیر تصفیه آقای رحیم کاظمی آذر بشماره ملی ۰۰۴۰۱۱۷۸۸۴۶ و شماره همراه ۰۹۳۴۷۶۹۲۰۲۴ مستقر در آدرس جزیره کیش میدان هرمز نمایشگاه اتومبیل پیشتازان کد پستی ۷۹۴۱۶۵۸۵۳۱ مراجعه نمایند بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه هر گونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهد داشت.

مدیر تصفیه شرکت کالسکه کیش در حال تصفیه(سهامی خاص)

آگهی مزایده

نوبت اول

شهرداری بندرلنگه در نظر دارد به استناد مجوز به شماره ۱۲۵۳۴۱/ش مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ شورای محترم اسلامی شهر بندرلنگه ساختمان کشتارگاه دام واقع در میدان شهداء، انتهای خیابان استاندارد به مساحت حدود ۲۲۰ مترمربع با اسکلت فلزی و دیوارهای بلوکی و سقف طاق ضربی (تیر آهن) بصورت قرارداد اجاره یکساله با قیمت کارشناسی پایه ماهیانه ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنجاه میلیون ریال) به اشخاص واجد الشرایط واگذار نماید لذا کلیه متقاضیان می توانند از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۴ لغایت روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۱ تا ساعت ۱۹:۰۰ جهت دریافت اسناد و مدارک شرکت در مزایده و کسب اطلاعات بیشتر به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه و حداکثر تا روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ مدارک را تکمیل نموده و پیشنهاد خود را تسلیم و رسید دریافت نمایند. زمان بازگشایی پاکات روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۲ ساعت ۱۰:۰۰ می باشد.

سایر شرایط:

۱-پرداخت مبلغ سپرده شرکت در مزایده به صورت واریز نقدی به شماره شبای بانک شهر IR۱۸۰۶۱۰۰۰۰۰۰۰۱۰۰۷۹۴۸۱۱۷۹۳ و یا ضمانتنامه معتبر بانکی دارای حداقل سه ماه اعتبار می باشد.

۲-برندگان اول دوم و سوم مزایده هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۳-به پیشنهادات مخدوش، مبهم، مشروط، فاقد سپرده و پیشنهاداتی که پس از موعد مقرر رسیده باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴-شهرداری در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار است.

شهرداری بندرلنگه

شناسه: ۱۵۳۵۰۰۴

آموزشگاه و آرایشگاه اسراء محمدی

آموزش همراه با ارائه مدرک معتبر فنی و حرفه ای در کلیه رشته های زیبایی

ارائه خدمات زیبایی در کلیه لاین های زیبایی

۰۹۱۹۰۰۲۰۳۶۲

@asra_beauty_academy

آدرس: روبروی هایپر مارکت، بازارچه حافظ، ویلاهای مروارید طبقه دوم روزنامه اقتصاد کیش

Beauty Salon